



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۱۴

انجنیر غلام سخی غیرت

اندرباب - محله گل غندی و تبدیل آن به پارک ملی خاطره یی از سردار محمد داوود خان - قسمت سوم

در قسمت دوم تحریر شد: « در جلسه یی در حضور رئیس دولت با شرکت مهندس عبدالله برشنا، داکتر غلام سخی نورزاد و من؛ سردار محمد داوود خان با خشکی و عصبانیت بدون اینکه بسوی ما نظر اندازد، ما را از حضورش رخصت ساخت.»

فکر می کردم نرسیده به دفتر مکتوب سبکدوشی ما سه نفر از دفتر ریاست جمهوری مواصلت خواهد کرد؛ زیرا در مورد سردار محمد داوود خان شنیده بودم که قهر او سخت است. گویا شدت عمل را از کاکا و مربی خود سردار محمد هاشم خان گرفته بود.

پدر سردار محمد داوود که سفیر افغانستان در جرمنی بود توسط شخصی به نام سید کمال گویا محصل افغانی در جرمنی به قتل رسید. سردار داوود به پدر دل بسته بود. هنگامیکه پدرش در زمان شاه امان الله خان منحیت سرپرست محصلان افغانی در پاریس کار می کرد، نوجوان بود و در مکتب نخبه گان شهر پاریس شش یا هفت سال درس خواند. این دوران شاید از بهترین سال های عمر او بوده است. در بازگشت به کابل تعلیمات عسکری را فرا گرفت و جنرال شد. پیشرفت او شتابناک بود؛ قوماندان زون مشرقی، قوماندان قوای مرکز، وزیر دفاع و سرانجام هم مدت ده سال صدراعظم افغانستان که این ده سال را باید سالهای مدرنیزه و پیشرفت افغانستان نامگذاری کرد. شاید سردار مرحوم خودش را برای رهبری کشور و خدمت به مردم از پادشاه آدمی مناسب تر تصور می کرد، همزمان تشنج، های ایجاد شده در خانواده سلطنتی، ماده ۲۴ قانون اساسی، رقابت با سردار ولی و تراژدی خشکسالی های ممتد خصوصاً در ولایات شمالی و مرکزی افغانستان، کار را به کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ کشاند. محمد داوود خان و محمد ظاهر شاه پسران کاکا بوده و خواهر محمد ظاهر شاه، بنام میرمن زینب - همسر محمد داوود خان بود.

سردار محمد داوود خان که اکنون رهبری کشور را در دست داشت تلاش می کرد موقعیت خود را استوار سازد. او سخت پایبند انضباط بود. در خانواده نیز با انضباط بود. در اجرات روزمره حکومت و جریان دروس پوهنتونها و مکاتب نیز باید انضباط شدیداً مراعات می شد؛ اصل انضباط - اداره و فرماندهی واحد است - روی این اصل حکم رئیس دولت - حکم بود.

بناء این اندیشه که از وظیفه سبکدوش شده باشم، برایم غیر منتظره نبود. با آنها برای من بی تفاوت بود- می توانستم شخصی کار کنم. دوستان خوبی داشتم، می توانستیم دفتر شخصی مهندسی راه اندازی کنم و به زندگی ادامه دهم. چند روزی همین طور با تشویش و واسواس گذشت - ولی خبری از برطرفی یا سبکدوشی ام در حالی نشد، که روزی به دفتر رئیس دولت احضار و با کمال تعجب رئیس دولت مرا با خوشرویی پذیرفته و گفت:

- رفته بودم از سالنگ بازدید نمایم. در بازگشت تپه گل غندی در چاریکار توجه مرا جلب کرد. جای خیلی قشنگ و زیباییست، ارغوان زار است، از آن بلندی در دامنه کوه گل کوهستان سرسبز است و منظره خوبی می سازد. دو سمت

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ارغوان زار دامنه کوه شیبی ملایم دارد و دست نخورده است. با انجیران خود از تپه نقشه ی تهیه کنید. این منطقه را بایست پارک ملی بسازیم. طوری که برای مردم افغانستان و خارجی ها ی جاذبه توریستی و تفرجگاه عمومی و همه ارغوان باشد. کوشش شود وضعیت طبیعی دامنه کوه حفظ شود. اما به تدریج پارک در دو سمت تپه ارغوان ها توسعه یابد. وظیفه تعیین شد و دیگر هرچه عاجل تر بایست اقدام می کردم. هنگامی سوی دفتر خود می آمدم به نظرم

کسی که این همه به آبادانی- سرسبزی و پیشرفت وطن خود علاقه مند باشد، هرگز نمیتواند مستبد و دیکتاتور باشد

روز بعد با گروهی از مدیریت سروی مشتمل با تعدادی از مهندسان و انجیران رفیق چاریکار. کانسپت و مفکوره اصلی را با همکاران خود مطرح نمودم. به نظرم این پارک ملی بایست همه اش با الهام از طبیعت و مواد و مصالح محلی باشد. پارک ملی عبارت از یک ساحه به نسبت وسیع است که یا به مناسبت طبیعت خاص خود، یا جهان وحش و یا تاریخ و فرهنگ بایست از سوی دولت حفظ و نگهداری شود. پارک ملی به مثابه نمایشگاه و الگوی زنده توجه انسان ها را به حفظ، نگهداری و بهره برداری مسؤولانه - پدیده نایاب یا کمیاب طبیعت، محیط زیست، فرهنگ یا تاریخ یک کشور سمت و سو میدهد.

پارک باید طوری نقشه شود که راه ها و تفرجگاه های آن مطابق اشکال زمین همآهنگ با زمین و ادامه طبیعت موجود برجسته شود و به یک جاذبه توریستی مبدل گردد. ساحه پارک در دو سمت گلغندی توسعه می یافت. از هوفیان تا توپ دره و خواجه سه یاران که در بین اهالی به نام خواجه سیاران مشهور است، بایست شامل ساحه پارک ملی ارغوان زار باشد. با برخی از ریش سپیدان و بزرگان چاریکار صحبت کردیم. که آیا گل غندی طبیعی است یا کسی آن را احداث کرده است؟ در گذشته و یا اکنون کدام اداره ای از آن مراقبت می نماید؟ چه وقت این تپه به غندی مسمی شده است؟

ریش سپیدی گفت که در سابق تپه ارغوان را تکیه می گفتند. میله کشمش پنیر در این جا برگزار می شد و مکانی برای تفریح و تفرج مردم بود، امروز نیز چنین است. با دست جایی را پائینتر نشان داد و اظهار داشت، آنجا مسجدی بود و مرد صوفی مشرب که اهالی محل به چشم پیر به او اعتقاد داشتند. می گفتند، در قدیم بزرگان او در جوار مسجد خانقاه یا تکیه خانه داشتند.

تکیه خانه در بین شیعیان به معنی مکانی است که مجلس عزاداری و مراسم محرم برگزار می شود. تکیه مفاهیم و تعبیرهای گوناگونی را می رساند. از جمله خانقاه، پناه گاه و خیمه. لنگر و بست هم برای نامگذاری این گونه مکان ها معمول بوده است. فقیران و صوفی ها مکانی برای بود و باش و خوراک خود در تکیه داشتند. چنین مکان هایی در جوار بزرگان تصوف و مشایخ آباد می شد. در این منطقه هم در هوفیان و هم در خواجه سه یاران و نیز در همین محل گل غندی خواجه ها و صوفیان نامداری زیسته اند که احتمالاً مصارف و نگهداری تکیه از سوی آنان و مریدان شان تامین می گردید.

پسant در باینرنامه به ارتباط این منطقه خواندم.

در شمال استالف بفاصله چند کیلو متر در دامنه کوه چشمه ایست که خواجه سه یاران نامیده می شود. در کنار و بین چشمه انبوه درختان چنار است که سایه لطیف خنک و گوارا دارد. در دو سمت چشمه و پشته های پایین تر کوه فراوان درخت بلوط دیده می شود. غیر ازین دو قطعه بلوطستان در کوه های غرب کابل درخت بلوط نمی روید. در دشت مقابل چشمه، ارغوان زار وسیعی است. در ولایت کابل غیر ازین، ارغوان زار دیگری وجود ندارد. می گویند این سه نوع درخت چنار، بلوط و ارغوان از کرامات آن سه عزیز است و از همین جهت سه یاران نامیده شده است. به هدایت من چشمه را با گچ و ساروج ده در ده متر ساختند و اطراف آن را به گونه منظم سنگ کاری کردند. بدین گونه در چار سمت چشمه صفا یی مربع شکل و منظم و پاکیزه احداث شد که رخ به ارغوان زار دارد. هنگام بهار که ارغوان گل می کند جایی زیباتر از این ارغوان زار وجود ندارد. ارغوان زرد و سرخ در ارغوان زار مخلوط گل می کند و نظر رُبا می شود. از دره ای در جنوب غرب این چشمه دایم به اندازه نیم آسیاب آب جاری است. به احداث جویی این آب را بر پشته جنوب غرب چشمه سه یاران بردم. در کنار آن صفا یی مدور یا گرد اعمار نمودم و دور و دور آن درخت بید غرس کردم که مکانی خوبی شد. بالاتر از صفا در کنار پشته باغ انگوری احداث نمودم. تاریخ اعمار این جوی را " جوی خوش یافتند " 925 هجری قمری"

این مطلب جالب را باید در این جا بیاورم که تیموریان هرات و پسant تیموریان (یا شاهان کابلی) هند باغ سازی را به اوج هنر معماری رسانده بودند. در هرات ده ها باغ و کاخ آباد کردند که با دریغ فقط نامی از برخی باقی مانده است مانند باغ دشت، باغ نظر گاه، باغ مراد، باغ سفید، باغ زاغان، باغ جهان نما، باغ تخته صفر، سروستان و...

در کابل نیز باغ های بسیاری توسط بزرگان تیموری و به خصوص بابر و نزدیکان او ساخته شد، باغ عالم آرا، باغ شهر آرا، باغ علم گنج، باغ جهان نما، باغ نظر گاه، باغ بابر، باغ نوروز و ...

امیر عبدالرحمن خان همچنان در کابل و برخی شهرهای دیگر باغ ها و قصرهایی ساخت، باغ بالا و قصر آن، باغ بوستان و کاخ مربوط آن، باغ ستاره با قصر ستاره قصر ستوری کنونی، باغ چهلستون و ... شاه امان الله این سنت میمون را در اعمار قصر و باغ دارالامان و باغ های پغمان ادامه داد. در عهد پادشاه افغانستان روان شاد محمد ظاهر شاه باغ سازی ادامه یافت، باغ کاریز میر، باغ و کاخ تپه پغمان از یادگارهای وی است. کاکاها و کاکازاده ظاهر شاه نیز هریک باغی آباد کردند. سردار هاشم خان در شکر دره، سردار شاه محمود خان در ریشخور و سردار محمد داوود در پغمان.

سزاوار یادآوری است که شهید سردار محمد داوود خان اراضی خود را در پغمان در بین دهقانان تقسیم کرد و باغ و خانه اش را در پغمان به دولت بخشید. در تسلیم گیری این باغ به حیث هیئت حضور داشتیم.

با خود فکر می کردم رئیس دولت نقشه های زیادی برای آبادی کشور دارد. در عین حال می دیدم که اطرافیان او چنین بینش فراخ ندارند. می دیدند و نمی دیدند به قول ظریفی که آب از زیر پل می رود یا از روی پل، بمن غرض نیست.

اما او که می دید چاره می اندیشید و نقشه بی در ذهنش خطور می کرد. و چنین روش را فقط آدمهای با تجربه و دارای بینش آبادی تواند داشت.

ادامه دارد...